

**بررسی جامعه‌شناختی روابط همسایگی در مجتمع‌های مسکونی شهر تهران**  
(مطالعه موردی منطقه دو شهرداری)

دکتر مهرداد نوابخش<sup>۱</sup>، مریم رفیعی فر<sup>۲</sup>

**چکیده**

همسایگی هر چند به موازات شهرنشینی دچار تحول و دگرگونی شده است اما هنوز هم به دلیل نقشی که در زندگی و مناسبات نخستین مردم ایفا می‌کند از اهمیت خاصی برخوردار است. نوع روابط همسایگی در بین قشرهای مختلف اجتماعی با سطوح فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی خاص؛ متفاوت خواهد بود یعنی پایگاه‌های اجتماعی متفاوت انواع متفاوتی از روابط همسایگی را ایجاد می‌کند. این پژوهش سعی داشته با مطالعه ابعاد تئوریک و میدانی، دیدگاه تضعیف‌تعمیل همسایگی در حیات شهری را در منطقه دو شهرداری شهر تهران به آزمایش گذاشته و قوت و ضعف آن را مشخص نماید. نتیجه بررسی فرضیات مطرح شده نشان می‌دهد که روابط همسایگی آن‌چنان‌که نظریه پردازان دیدگاه جبرگرائی اکولوژیک معتقدند در این منطقه از شهر تهران تضعیف نشده، هرچند که فرضیاتی چند نیز موید این ادعا است اما این امر باعث نگردیده که افراد با همسایگان نزدیک خود روابط همسایگی را رها نمایند.

**واژگان کلیدی:** شهر، همسایه، روابط همسایگی، واحد مسکونی، شبکه روابط اجتماعی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۰/۲۵

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول) mehrdad\_navabakhsh@yahoo.com  
۲- دانش‌آموخته رشته پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

**مقدمه**

دردوره معاصر شهرهای بزرگ جهان به محل تراکم و رشد جمعیت، محل تبادل کالا، اشیاء و اطلاعات تبدیل گشته‌اند، و بیش از ۵۰ درصد مردم جهان امروزه در شهرها زندگی می‌کنند و جمعیت شهرنشینی با شتابی فزاینده به ویژه در کشورهایی به اصطلاح کمتر توسعه یافته (جنوب) در حال افزایش است (Wakely & You, N. 2002). مجموعه این عوامل باعث بروز مسائل و مشکلات، افزایش دامنه نابرابریهای اجتماعی و فقر و بزهکاری، تنزل ارزشها و حتی تغییراتی در هنجارها، ارزشها و رفتارهای اجتماعی افراد نسبت به گذشتگان خود موجب شده که مجموعه فوق و عوامل دیگر سبب گشته‌اند که انسان شهری در چارچوب محدودتر و در جمع نسبتاً کوچکتری از کل جامعه شهری زندگی نماید و تنها در جمع محدودتری که یکدیگر را می‌بینند، و نسبت به هم توجه دارند گذران عمر نمایند. یکی از انواع شبکه‌های روابط اجتماعی، همسایگی است. روابط همسایگی در جوامع سنتی فراگیرتر و متنوع‌تر و در جوامع صنعتی محدودتر و جزئی‌تر به نظر می‌رسد. محدودیت این روابط و تنزل موقعیت این شبکه روابط اجتماعی موجب نگرانی بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی بوده و بعضاً مطالعات و تحقیقاتی نیز در باره این تحول صورت گرفته است. این موضوع و کلا مطالعات فرهنگی خانوارها بقدری برای آینده جهان حائز اهمیت است که از سال ۲۰۰۱ تاکنون در نشست‌های ویژه سازمان ملل (N-HABITAT. 2002) همواره از چشم اندازها و زوایای گوناگون به این مسئله پرداخته شده است (UN-HABITAT. 2002). در چند دهه گذشته عدم وجود یک نظام برنامه ریزی جامع در سطح کشور موجب شد که تهران به صورت مهم‌ترین قطب کشور درآید. تمرکز امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی از یک سو و اعمال سیاست‌های نادرست از سوی دیگر از عواملی هستند که سبب مهاجرت بی رویه روستائیان به شهرها گشته است و از آن جا که شهر تهران در مقایسه با سایر نقاط کشور از امکانات بیشتری برخوردار است لذا درصد بیشتری از مهاجرین را به خود اختصاص داده که این مساله باعث شده تا افراد گوناگون با خرده فرهنگ‌های متفاوت و از قومیت‌های متفاوت در این شهر گرد هم آیند و در کنار هم زندگی کنند. با توجه به این که روابط همسایگی در سلامت روابط اجتماعی و بالا رفتن سطح همیاری و تعاون نقش مثبتی دارد گسیختگی این رابطه در جامعه شهری موجب تضعیف همبستگی و بروز مشکلات می‌شود، این مقاله بر مبنای پژوهشی میدانی در سطح همسایگی‌های متنوع منطقه دو شهرداری شهر تهران نگاشته شده است.

### چارچوب نظری تحقیق

اکثر نظریه پردازانی که در زمینه‌های شهری به ارائه نظریه پردخته اند رشد کلان شهرها را باعث از بین رفتن مناسبات هویتی همسایگی، عاطفی و دوستانه زندگیشان داشته اند. زیمل معتقد است: انسان در کلان شهرهای مدرن به دلیل حضور جمعیت عظیم و تراکم، متحمل فشار زیادی میشود که این فشار ناشی از ازدحام، هویت فردی را به خطر می افکند و سبب انزوای فرد مقیم شهری در دنیای همسایگی می شود (نوابخش، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲).

اکثر تعاریفی که از همسایگی شده از دو جزء مهم کالبدی (فیزیکی) و اجتماعی برخوردار بوده و آنرا عمدتاً شامل عناصری چون: انسان، مکان، نظام کنش متقابل، هویت مشترک و نمادهای عمومی دانسته است. همسایگی را گاهی تنها به معنای یک منطقه جغرافیائی با ویژگی‌های کالبدی خاص که گروهی از مردم در آن زندگی می کنند و زمانی دیگر آنرا به معنای نوعی روابط متقابل اجتماعی و یا فعالیت‌های انسانی بکار گرفته‌اند، می‌دانند.

ماکس وبر عنوان می نماید: همسایگی اساساً عبارتست از روابط متقابل اجتماعی مبتنی بر مساعدت‌های متقابل در وضعیت‌های مختلف اضطراری و بحرانی (وبر، ۱۹۲۲، صص ۱۹۷-۱۹۹). چارلز کولی متفکر اجتماعی، همسایگی را همانند خانواده و گروه همالان به عنوان یک گروه نخستین معرفی کرده است.

کنت شوپریان، جامعه‌شناس شهری تعریف جامع‌تری از همسایگی ارائه داده و آنرا "جمعیتی" دانسته که در بخش مشخصی از شهر زندگی می کنند و شبکه‌ای رسمی و غیر رسمی از کنش متقابل اجتماعی تشکیل داده‌اند و هویت مشترک خود را از طریق نمادهای عمومی منطقه نشان می‌دهند.

رابرت پارک از بنیانگذاران مکتب شیکاگو، همسایگی را "محدوده طبیعی" خوانده و آنرا حاوی عناصر زیر دانسته است:

- یک منطقه جغرافیائی قابل تشخیص از سایر مناطق مجاور.
- جمعیتی با ترکیبات قومی، دموگرافیک و اجتماعی مخصوص.
- یک نظام اجتماعی با مقررات، هنجارها و الگوهای کنش متقابل مرتباً تنظیم شونده که بعنوان مکانیسمی برای کنترل اجتماعی عمل می‌کند.
- رفتارهای موضوعی جمعی یا شیوه‌های زندگی خاص و قابل تشخیص از دیگران.

از طرفی هم تلقی اکثریت مردم از همسایگی، یک کوچه یا بلوک و یا بخشی از محله‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. گاهی نیز برای برخی خانواده‌هایی که بچه‌های خردسال دارند، همسایگی همان محدوده جغرافیایی است که احساس می‌کنند برای بازی بچه‌هایشان جای امنی است.

تنوع و تفاوت تعاریف مختلف از همسایگی بیشتر ناشی از عوامل سه‌گانه زیر است:

۱- ابهام مفهومی، خصوصاً مشخص نبودن اجزاء اساسی مجزائی چون «همسایه» بعنوان یک نقش خاص، «فعالیت‌های همسایگی» بعنوان مجموعه‌ای از کنش‌های متقابل و «همسایگی» بعنوان منطقه‌ای محدود که در آن فعالیت‌های همسایگی در بین همسایگان انجام می‌شود.

۲- تحقیقات متناقضی که براساس فرضیات و روش‌های اندازه‌گیری مبهم انجام می‌شود. مثلاً گزارش می‌شود که در فلان محله روحیه همسایگی کمی وجود دارد، چون تنها تعداد قلیلی از مصاحبه‌شوندگان با همسایگان خود روابط دوستانه داشته‌اند. اما حتی دقیق‌ترین تحقیقات و اندازه‌گیری‌ها هم نمی‌تواند واقعاً مرز میان پیوندهای دوستانه و پیوندهای همسایگی را مشخص نماید. اگر پدیده مورد تحقیق به روشنی تعریف نشده باشد، تمیز میان اجزاء اساسی و تصادفی و هم چنین کشف دقیق تنوع و تفاوت در فعالیت‌ها و روابط متقابل دوستان و همسایگان غیر ممکن است. غفلت از تفکیک میان دوست و همسایه به نتیجه‌گیری‌های غیر مطمئن در مورد بیگانگی انسان در شهرهای مدرن، و همچنین تصورات نادرست در باب وجود همسایگان صمیمی در روستاها و شهرهای کوچک می‌انجامد.

۳- مساله تغییرات سریع اجتماعی که تعادل معمول بین همسایگان، همسایگی کردن و همسایگی‌ها را بهم می‌ریزد و اجزاء ناپیوسته‌ای از همسایگی را بجای می‌گذارد.

محلات کاملاً قابل تشخیص و نسبتاً بهم پیوسته شهرهای کوچک، تحت تاثیر امواج متلاطم شهرگرایی صنعتی آشفته و بهم ریخته می‌شوند و غالباً تنها بخش‌های کوچکی از همسایگی‌های آرمانی باقی می‌ماند. مطالعات شهری نیز این نوع همسایگی‌ها را چیزی جز محوطه‌هایی متغیر با مرزهای نامشخص از روابط متقابل و فعالیت‌های جدا از هم نشان نمی‌دهد.

بجای واقعیت‌های کمابیش یکدست کالبدی و اجتماعی سابق، نوسازی‌های غالباً بدون طراحی و بی‌هویتی صورت می‌گیرد و مجموعه‌های دائم‌التغیری بوجود می‌آید، و این شهر متحرک و متلاطم روابط شخصی و اجتماعی جدیدی را شکل می‌دهد که همسایگی را ضایع می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳، ص ۴-۵).

همسایگی پیش از آنکه، کنار هم قرار گرفتن مجموعه‌ای از خانه‌ها و بناها باشد، قرار گرفتن مجموعه‌ای از واحدهای معنایی است که در کل، شبکه‌ای از معانی را می‌سازد. این معانی گاه ممکن است با هم سازگار یا ناسازگار باشند یا گاه غنی و گاه ضعیف باشند. غنا و ضعف معنای همسایگی به چگونگی کیفیت مناسبات و تعاملات همسایگان و همچنین کیفیت خانه و محیط و محله بستگی دارد (فاضلی، سایت فرهنگ‌شناسی، ۱۳۸۶).

روابط همسایگی و مسائل مربوط به آن در حیطه جامعه‌شناسی شهری طبقه‌بندی می‌شوند، درحوزه جامعه‌شناسی شهری عموماً نظریات عنوان شده در سه دسته قرار می‌گیرند. دیدگاه جبرگرایی اکولوژیک (مربوط به صاحب نظرانی چون امیل دورکیم، روبرت ازرا پارک، فردیناند تونیس، گنورگ زیمل، هانری مین، لوئیس ورت و بروس کوئن) معتقد است که شهرگرایی موجب تضعیف روابط اجتماعی شده و با خود عواملی نظیر نابهنجاریهای اجتماعی را به همراه دارد آن‌ها معتقد هستند شهر محلی است که در آن نابسامانی اجتماعی، فشار، بیگانگی، بی‌عاطفگی، بی‌هویتی و... وجود دارد؛ اما ترکیب گرایان (اسکار لوئیس، دیوید هاروی و مانوئل کاستلز و...) نظر دیگری دارند آنها معتقدند که عواملی غیر از عوامل اکولوژیکی مانند ویژگیهای فردی افراد است که این تغییرات را موجب می‌گردد، به نظر آنها تفاوت چندانی بین شهر و روستا وجود ندارد و اگر عوامل اکولوژیک پیامدی هم داشته باشد، بیشتر ناشی از نحوه تأثیر آن بر موقعیت اقتصادی، ویژگی‌های فرهنگی، منزلت خانوادگی و وضعیت تأهل افراد شهرنشین است. درنهایت خرده‌فرهنگ‌گرایان (مانند فیشر) اعتقاد به تضعیف روابط اجتماعی آنطور که جبرگرایان و ترکیب‌گرایان عنوان می‌دارند، ندارند؛ آنها شهر را محیطی متفاوت از غیرشهر می‌دانند اما به این امر اعتقادی ندارند که شهر باعث تضعیف روابط همسایگی شده و فردگرایی را باعث می‌گردد، می‌گویند که انسان شهرنشین در شبکه‌های روابط اجتماعی متمایزی از روستا وارد می‌گردد. و شهر پراز افرادی است که در پیوندهای پیچیده با خرده فرهنگ‌های گوناگون قرار دارند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳).

برای انجام این پژوهش به دنبال بررسی روابط همسایگی؛ شدت و ضعف آن با توجه به انواع مختلف مسکن، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و چندین عامل دیگر بوده ایم به این دلیل دیدگاه جبرگرایی اکولوژیک مبنای این تحقیق قرار دارند اما در این بین از نظریه خرده فرهنگی نیز استفاده شده است چرا که در بسیاری موارد افراد با داشتن خرده فرهنگی خاص نوع مسکن خود را

انتخاب نموده و لذا روابط همسایگی آنها تابعی است از خرده فرهنگ مخصوص شان نه از جبر عواملی چون نوع مسکن .

### روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش پیمایش اجتماعی که خاص مطالعات پنهان‌نگر در جامعه‌شناسی است، می‌باشد. تحقیق پیمایشی یکی از فنون بسیار قدیمی تحقیق به شمار می‌رود. مارش تأکید می‌کند روش پیمایشی به معنای فن خاصی برای جمع‌آوری اطلاعات نیست، دو ویژگی مهم روش پیمایشی، شکل گردآوری داده‌ها و روش تحلیل آن‌ها است. پژوهشگران روش پیمایشی درصدد تبیین پدیده‌ها نیز برمی‌آیند. تحقیق پیمایشی با مشاهده تغییر صفت در واحدهای تحلیل و دنبال کردن تغییرات دیگری که با آن همبسته است، در پی درک علل پدیده هستند. بدین لحاظ هدف این روش استنتاج روابط علی است که از مقایسه دقیق ویژگی‌های متفاوت واحدهای تحلیل به دست می‌آید (دواس، ۱۳۷۶، صص ۳-۴)

### مکان تحقیق و جامعه آماری

مکان انجام این پژوهش، منطقه شهرداری دو شهر تهران می‌باشد. تهران بزرگ‌ترین شهر و پایتخت کشور ایران با جمعیت ۷،۷۰۵،۰۳۶ نفر و مساحت ۷۳۰ کیلومتر مربع است که به همراه توابع خود (استان تهران)، جمعیتی برابر ۱۳،۲۷۳،۰۰۹ نفر و مساحتی برابر ۱۸،۸۱۴ کیلومتر مربع دارد. تهران به ۲۲ منطقه و ۱۱۲ ناحیه (شامل ری و تجریش) تقسیم شده است. از میان این مناطق منطقه دو جزء مناطق استراتژیک شهر تهران محسوب می‌شود چرا که این منطقه نسبت به دیگر مناطق از همگونی بیشتری برخوردار است و بافت بیشتر مسکونی دارد تا تجاری یا اداری. هم‌چنین این منطقه کمتر در تحقیقات دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفته است و علاوه بر این دلایل، منطقه دو محل زندگی و اشتغال محقق نیز بوده و آشنایی بیشتری با بافت و محلات این منطقه و هم‌چنین دسترسی راحت‌تری نسبت به سایر مناطق وجود دارد. لذا مکان این تحقیق را این منطقه قرار داده ایم. منطقه دو شهرداری شامل نه ناحیه مرزبندی شده و سی محله می‌باشد. جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش نیز، کلیه افراد و خانوارهای ساکن در مجتمع‌های مسکونی نواحی نهگانه منطقه دو می‌باشد.

### روش نمونه‌گیری

در این بررسی جامعه آماری حجمی حدود ۵۶۵۰۰۰ نفر را در بر می‌گیرد که به هر حال کار انتخاب نمونه‌ای مناسب و بررسی آن نمونه به جای چنین جامعه آماری وسیعی را به صورت ضرورتی حتمی در می‌آورد. در این بررسی به علت نداشتن میزان جمعیت ساکن در مجتمع‌های مسکونی و همچنین تعداد واحدهای مسکونی نبود مرجعی برای مراجعه و کسب اخبار و اطلاعات در این زمینه، روش نمونه‌گیری مناسب نمونه‌گیری خوشه‌ای می‌باشد چرا که در روش نمونه‌گیری خوشه‌ای اطلاع دقیق از حجم جامعه آماری ضرورتی ندارد. حجم کل نمونه انتخابی را با خطای نمونه‌گیری ۱۰ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد ۱۰۰ نمونه انتخاب کردیم. طبق اطلاعات اخذ شده از شهرداری منطقه دو، این منطقه دارای سی محله در نه ناحیه می‌باشد با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، ابتدا خوشه‌های اصلی را نواحی نه‌گانه قرار داده سپس با کمک روش انتخاب تصادفی تعدادی از این نواحی را انتخاب کردیم و در مرحله بعدی در هر یک از خوشه‌های انتخابی از میان محلات هر ناحیه که خوشه‌های دوم محسوب می‌شوند چند محله را به عنوان نمونه با روش تصادفی انتخاب کرده و سپس از میان مجتمع‌های مسکونی هر محله تعداد واحد مسکونی را انتخاب نموده و در آخر به سراغ واحد تحلیل یعنی منازل مسکونی رفته و از میان این منازل مجدداً با مدد از روش نمونه‌گیری تصادفی تعدادی واحد را جهت نمونه‌گیری انتخاب کردیم.

جدول شماره (۱) محلات واقع در منطقه دو شهرداری تهران و جمعیت تقریبی آن‌ها

نام محله	جمعیت تقریبی	نام محله	جمعیت تقریبی
درکه	۶۲۰۶	سعادت آباد	۲۶۰۶۵
کوهسار	۱۸۶۱۸	دریا	۲۷۹۲۷
درختی	۲۴۸۳۴	فرحزاد	۱۸۶۱۸
پونک	۲۴۸۳۴	اسلام آباد	۱۲۴۱۲
سروآسمان	۲۷۹۲۷	شهرک قدس	۳۱۰۳۰
ایوانک	۲۶۰۶۵	شهرک هما	۲۴۸۳۴
کوی نصر	۲۹۷۸۹	پرواز شرقی	۱۲۴۱۲
پرواز غربی	۱۵۵۱۵	پردیسبان	۱۸۶۱۸
شهرک آزمایش	۲۶۰۶۵	کوکب پاتریس	۱۸۶۱۸
شهرآرا	۱۸۶۱۸	تهران ویلا	۱۵۵۱۵
برق آلتوم	۲۰۴۸۰	صادقیه	۱۸۶۱۸
دریان نو	۲۰۴۸۰	توحید	۱۹۸۵۹
شادمهر	۲۹۸۵۹	زنجان	۶۲۰۶
تیموری	۱۳۶۵۳	چوب تراش	۱۵۵۱۵
طرشت			

مآخذ: سایت شهرداری منطقه دو شهرداری تهران

### متغیرهای مستقل

متغیرهایی نظیر تحرک مکانی، اشتغال زنان متأهل، میزان اوقات فراغت، سن و تحصیلات پاسخگو ارزشهای سنتی همسایگی، مناسک مذهبی، انزوا طلبی، فشار روانی، احساس امنیت اجتماعی و بالاخره پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد را در میزان و نوع روابط متقابل آنان با همسایگان موثر دانسته ایم و برای هر یک امتیازات خاصی قائل شده ایم.

### متغیر وابسته

در این تحقیق متغیر وابسته، میزان (شدت و ضعف) روابط متقابل همسایگی در میان همسایگان است. برای شناخت رابطه همسایگی در میان مردم از طیف معرفه‌هایی که ضعیف‌ترین نوع (یعنی تنها سلام و علیک کردن با همسایه‌ها) تا قوی‌ترین نوع (یعنی به گردش و تفریح دسته جمعی با همسایگان رفتن) را در بر می‌گیرد، استفاده شده است.

### یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی روابط همسایگی افراد در محدوده مورد بررسی و مشخص نمودن شدت و ضعف آن، مقیاسی تعریف شده است. در ساختن این مقیاس از هشت گویه استفاده شده است و هر کدام بر اساس شدت و ضعف نمره ۱ تا ۵ داده شده‌اند. جدول شماره ۲ این اطلاعات را نشان می‌دهد.



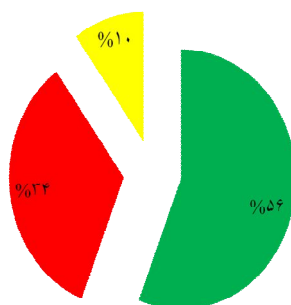
جدول شماره (۲) توزیع پاسخگویان به تفکیک گویه های روابط همسایگی

هیجوت	بندرت	گهگاهی	غالب اوقات	همیشه	گزینه ها
۴.۶	18.6	35.6	23.1	18.1	من هر روز علاوه بر دیدن همسایه ها با آنها سلام و علیک هم دارم.+
۱۷.۷	26.3	28.1	18.0	10.0	از حد سلام و علیک فراتر رفته و با آنها گپی هم می زنم.+
۳۷.۱	26.2	19.3	11.6	5.9	من با آنها رفت و آمد هم دارم.+
۴۳.۱	23.8	15.1	13.0	5.0	خانواده من نیز با آنها رفت و آمد دارند.+
۳۱.۵	21.8	20.9	16.3	9.5	در مراسم به کمک یکدیگر می شتایم.+
۳۹.۸	22.9	18.2	13.0	6.2	در مواقع ضروری با هم مشورت می کنیم.+
۴۷.۱	17.3	14.5	13.7	7.4	در مواقع ضروری و به هنگام نیاز در مراسم بزرگ از منازل همدیگر استفاده می کنیم.+
۶۰.۸	9.8	12.2	10.8	6.4	وقتی که یکی از ما به مسافرت می رود کلید منزل را امانت نزد یکدیگر می گذاریم.+
۵۳.۹	18.3	14.0	7.7	6.1	من همسایه ام را بر اقوام خودم ترجیح می دهم.+

و همان گونه که نمودار مقیاس روابط همسایگی نشان می دهد که ۵۶ درصد پاسخگویان دارای روابط همسایگی پائین، ۳۴ درصد متوسط و ۱۰ درصد از همسایگی بالایی برخوردارند. از این یافته ها برمی آید که در منطقه مورد بررسی روابط همسایگی از سطح بالایی برخوردار نیست.

توزیع پاسخگویان به تفکیک شدت روابط همسایگی

بالا ■ متوسط ■ پایین



نمودار شماره (۱) توزیع پاسخگویان به تفکیک شدت روابط همسایگی

#### فرضیه‌های تایید شده:

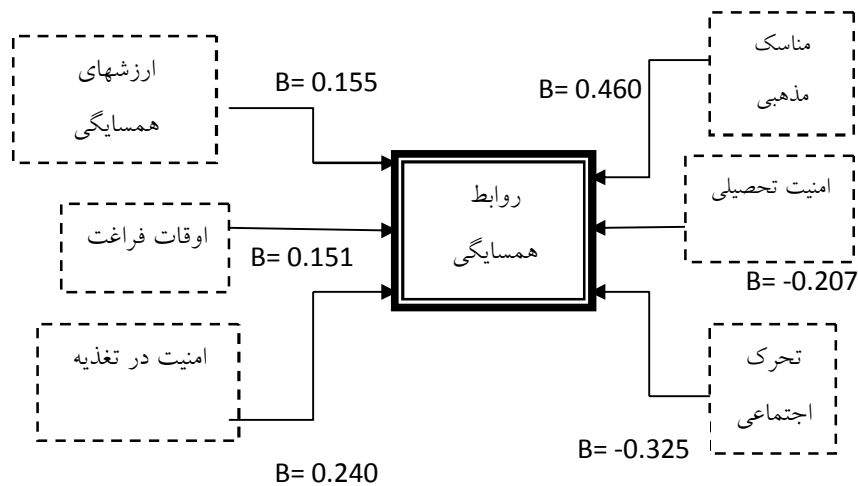
- بین روابط همسایگی و عمل کردن به ارزشهای سنتی ارتباط وجود دارد.
- اوقات فراغت افراد بر روابط همسایگی تاثیر می‌گذارد.
- اجتماعی با عمل کردن به ارزشهای سنتی روابط همسایگی ارتباط دارد.
- امنیت اجتماعی بر روابط همسایگی تاثیر می‌گذارد.
- بین فشارهای روانی و انزوایی افراد ارتباط وجود دارد.
- پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد بر ارزشهای سنتی همسایگی آنها تاثیرگذار است.
- بین مشارکت افراد در مناسک مذهبی با روابط همسایگی رابطه وجود دارد.
- بین جنسیت و روابط همسایگی رابطه وجود دارد.

به منظور شناخت عوامل تاثیر گذار بر متغیر وابسته روابط همسایگی از بین متغیرهای مستقل همچنین مشخص کردن اثرات مستقیم و غیر مستقیم این عوامل و شدت تاثیری که بر روابط همسایگی دارند از تحلیل مسیر استفاده شده است و نتایج حاصل از آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است. این جدول نشان دهنده تاثیرات مستقیم بر روابط همسایگی است که از میان این متغیرهای مستقل بیشترین اثر مستقیم مربوط به متغیر مناسک و اعمال همسایگی است. همانطور که در جدول قید گردیده است تاثیر عوامل مناسک مذهبی، ارزشهای همسایگی، اوقات فراغت و امنیت در تغذیه بر روابط همسایگی مثبت می‌باشد اما متغیرهای امنیت تحصیلی و تحرک اجتماعی رابطه‌ای معکوس با متغیر وابسته دارند. یعنی با افزایش احساس امنیت تحصیلی و تحرک اجتماعی از شدت روابط همسایگی کم می‌شود.

جدول شماره (۳) تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر روابط همسایگی

Sig	T	BETA	عوامل تبیین کننده
۰/۰۰۰	۵/۳۲۳	۰/۴۶۰	مناسک و اعمال مذهبی
۰/۰۱	۳/۰۰۱	۰/۱۵۵	ارزشهای همسایگی
۰/۰۰	-۲/۳۲۵	-۰/۲۰۷	امنیت تحصیلی
۰/۰۴۰	۲/۰۶۰	۰/۱۵۱	اوقات فراغت
۰/۰۲۰	۲/۱۹۸	۰/۲۴۰	امنیت در تغذیه
۰/۰۰۰	-۲/۴۸۰	-۰/۳۲۵	تحرک اجتماعی
			عوامل خارج شده از معادله: مقیاس امنیت شغلی مقیاس امنیت در خیابان مقیاس تحرک مکانی مقیاس پایگاه اقتصادی- اجتماعی مقیاس تعداد فرزندان
$R^2 = 0/559$		$Ad R^2 = 0.511$	

مدل ذیل عوامل مستقیم تاثیر گذار را نمایان ساخته است .

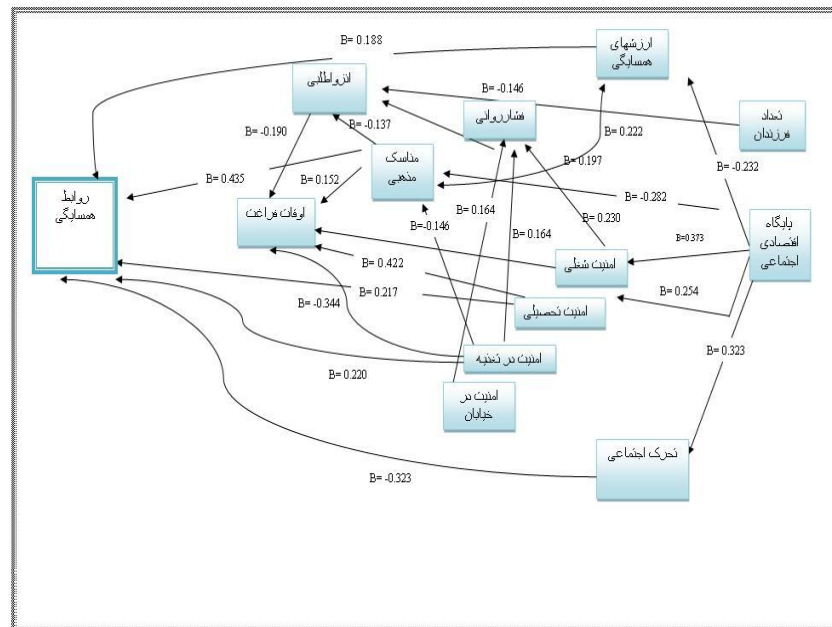


نمودار شماره (۲) تحلیل مسیر مستقیم عوامل مؤثر بر روابط همسایگی

اما علاوه بر عواملی که به طور مستقیم بر متغیر وابسته روابط همسایگی تاثیر دارند عواملی نیز به واسطه متغیرهای دیگر به طور غیر مستقیم بر آن تاثیر می گذارند که با ادامه روش تحلیل مسیر این

متغیرها و میزان تاثیرات آن ها بر روی متغیر وابسته مشخص می گردد. به طور مثال متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی از طریق تاثیر که بر متغیر ارزشهای همسایگی و تحرک اجتماعی دارد بر روابط همسایگی تاثیر می گذارد در نمودار شماره ۳ تحلیل مسیر کلیه عوامل تاثیر گذار بر متغیر وابسته ارائه شده است.

نمودار شماره (۳) تحلیل مسیر نهایی عوامل موثر بر روابط همسایگی



### نتیجه گیری

جبرگرایان، مدعی اند که شهر پیوندهای اجتماعی را تضعیف می کند، اهمیت شبکه های روابط اجتماعی نخستین را کاهش می دهد و با جایگزین کردن نهادهای ثانوی در روابط انسانی موجب بروز بی هنجاری ها و انحرافات اجتماعی می شود.

نتیجه آنکه صاحب نظران جبرگرائی اکولوژیک مدعی اند که نابسامانی اجتماعی، فشار، بیگانگی، فردگرائی، بی عاطفی و بی هویتی همه پدیده های شهریند و شهرگرائی در سطح روانشناختی، نظام عصبی را تهدید می کند و نهایتاً به جدائی افراد از یکدیگر و از بین رفتن روابط صمیمانه بین همسایگان می انجامد.

اما بر خلاف جبرگرایان، ترکیب‌گرایان اظهار می‌دارند که تفاوت‌های موجود در روابط اجتماعی شهری‌ها و غیر شهری‌ها (چندان) ارتباطی با جغرافیای محل سکونت ایشان، اندازه، تراکم و ناهمگونی جمعیت ندارد، و به ترکیب عواملی چون سن، شغل، میزان تحصیلات و میراث قومی و فرهنگی گروه‌های شهرنشین مربوط می‌شود.

بنظر ترکیب‌گرایان، شهر نفی‌کننده شبکه‌های روابط اجتماعی در قالب گروه‌های نخستین نیست و روابط اجتماعی همه شهرنشینان نیز قاعدتاً بی‌هویت، رسمی و غیر عاطفی نیست.

از سوی دیگر طرفداران نظریه خرده فرهنگی که سنتزی از دو دیدگاه فوق‌الذکر را پذیرفته‌اند، معتقدند که زندگی در شهرهای بزرگ تأثیراتی متفاوت از فضای غیرشهری بر شبکه‌های روابط اجتماعی شهرنشینان می‌گذارد. اندازه، تراکم جمعیت و ناهمگونی فرهنگی شهرنشینان، ویژگی‌های خرده فرهنگی ایشان را تشدید می‌نماید.

به بیان دیگر حلقه‌های اجتماعی صمیمی همچنان در محیط شهرها نیز به حیات خود ادامه می‌دهد. اما شهرنشین بدلیل وجود عوامل اکولوژیکی، نه می‌تواند و نه می‌خواهد با هر کس که می‌بیند باب دوستی و ارتباط را بگشاید و در واقع خود را موظف می‌داند که هر وقت ضرورت ایجاد کند، تنها در مقابل عده خاصی عکس‌العمل نشان دهد و دیگران را فراموش نماید.

بر طبق دیدگاه خرده فرهنگ‌گرایان شهرنشین بدلیل وجود عوامل اکولوژیکی، نه می‌تواند و نه می‌خواهد با هر کس که می‌بیند باب دوستی و ارتباط را بگشاید و در واقع خود را موظف می‌داند که هر وقت ضرورت ایجاد کند، تنها در مقابل عده خاصی عکس‌العمل نشان دهد و دیگران را فراموش نماید (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳).

شبکه روابط اجتماعی همسایگی، گروه محدودی را که در مجاورت فیزیکی یکدیگر زندگی می‌کنند در بر می‌گیرد و همگان این گروه همسایگان را یک گروه اجتماعی طبیعی تلقی می‌کنند (دورکهایم، ۱۳۸۴، ص ۳۰۰). دیدگاه مذکور بدنبال بررسی تغییرات ایجاد شده در نوع روابط اجتماعی است که تحت تاثیر عوامل متعددی می‌باشد، در این تحقیق نیز نشان دادیم که روابط همسایگی آنچنان که جبرگرایان بیان می‌دارند در شهر تضعیف نگردیده‌است بلکه افراد با ایجاد انواع روابط با افراد دیگر این ارتباط اجتماعی را برقرار نگاه داشته‌اند، مؤید این ادعا تایید تعدادی از فرضیات مطرح شده و عدم تایید تعداد دیگر از این فرضیات مطروحه است. بهر حال درست

است که تعریف از همسایه به مرور زمان دستخوش تحولاتی شده است و از نظر تعداد محدوده کمتری را در برمی‌گیرد اما این امر باعث نگردیده‌است که افراد با همسایگان نزدیک خود روابط همسایگی را در شهر تهران رها نمایند، هنوز افراد در مواقع نیاز به همسایگان خود رجوع می‌کنند. مجموعه این یافته‌ها نظر جبرگرایان اکولوژیک را در شهر تهران تضعیف می‌نماید که شهر و شهرگرایی تضعیف‌کننده روابط همسایگی شهروندان است. چرا که در شهری چون تهران با وجود جمعیت بالا هنوز می‌توان امید داشت که خانواده‌ها به دلایلی هنوز با همدیگر در ارتباط هستند گرچه دامنه این ارتباطات به یک حوزه کوچکی محدود گشته‌است، زیرا ارتباط با حوزه وسیعی از همسایگان در شهر بخاطر تغییر در کارکرد روابط همسایگی دیگر لزومی ندارد.

#### منابع

- دواس، دی. ای. (۱۳۷۶). *روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی*. ترجمه مریم رفعت جاه و رخساره کاظم، تهران: مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی، چاپ اول،
- دورکیم، امیل (۱۳۸۴). ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم،
- رفیعی فریم (۱۳۸۷). *بررسی جامعه‌شناختی روابط همسایگی در مجتمع‌های مسکونی شهر تهران (مطالعه موردی منطقه دو شهرداری)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، ۱۳۸۷.
- ساروخانی، باقر. *درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی*. تهران: [بی‌نا]، ۱۳۷۰.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله. *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- کیوی، ریمون. *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر توتیا، ۱۳۸۴.
- نوابخش، مهرداد. "جهانی شدن و تاثیر آن بر حوزه فرهنگی شهر تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک شماره ۱۱، ۱۳۸۶
- وبر، ماکس. *شهر در گذر زمان*. ترجمه شیوا کاویانی، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

- Allen, A. & You, N. (2002). **Sustainable Urbanization: Bridging the Green and Brown Agendas**. London : The Development Planning Unit, University College London.
- UN-HABITAT (2002). "Report of the First Session of the World Urban Forum". **Nairobi, Kenya**, 29 April – 3 May,
- UN-HABITAT (2004). "Report of the Second Session of the World Urban Forum". **Barcelona, Spain**, 13 – 17 September ,
- UN-HABITAT (2006). "Report of the Third Session of the World Urban Forum, Vancouver". **Canada, June 19 – 23**,
- Weakly, P & You, N. (2001). **Implementing the Habitat Agenda: In Search of Urban Sustainability**. London: The Development Planning Unit, University College London.

۶۵ ..... بررسی جامعه شناختی روابط همسایگی در مجتمع های مسکونی شهر تهران

World Commission for Environment and Development (WCED) (1987). **Our  
Common Future**. Oxford. :Oxford University Press